

# نقد و بررسی حمایت های قانونی از آمران به معروف و ناهیان از منکر (شکلی - ماهوی)

\* فرزاد بهشتی توندی<sup>۱</sup>

\* سید هادی شریعت یار<sup>۲</sup>

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر یکی از واجبات مورد تاکید اسلام می باشد و همواره مورد توجه و عنایت جمهوری اسلامی به عنوان یگانه نظام دینی مدعی اجرای اسلام ناب بوده است و بدین جهت در منشور قانون اساسی نیز این امر مندرج شده است و علی رغم تبلور این اصل در قوانین مختلف مصوب مراجع قانون گذاری تا سال 1394 قانون مستقلی در این زمینه به تصویب نرسیده است و در سال 1394 قانونی در راستای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تصویب شد و این قانون و دستور العمل آن علی رغم این که تاسیسات قانونی و حمایتی فراوانی جهت اجرای فریضتین ارایه نموده است در برخی از جهات انتقاداتی به آن وارد می باشد که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

کلید واژگان: آمران به معروف و ناهیان از منکر، حمایت های قانونی ماهوی، حمایت های قانونی شکلی

درآمد

یکی از موکدات اسلام که در زمره فروع دین قرار داده شده است و گاه با عبارت فریضتین از آن یاد می شود که دال بر اهمیت این دو می باشد امر به معروف و نهی از منکر می باشد و اگر دستورات اسلام به دو دسته تقسیم شود (شخصی و اجتماعی) امر به معروف و نهی از منکر در دسته دستورات اجتماعی بوده و در حقیقت قوام جامعه اسلامی به این دو می باشد و مادامی که این دو فریضه جایگاه خود را پیدا کند در جامعه اسلامی فردی متجری یافت نخواهد شد تا آشکارا قوانین و مقررات شرعی را زیر پا نهد و در صورتی که این دو فریضه از بین برود قطعاً خلاف اسلام عمل خواهد شد و هر

---

1- دادیار حوزه معاونت دادستان مرکز استان خراسان رضوی در امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و دانش آموخته

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و نویسنده مسوول / [farzad.beheshti.z@gmail.com](mailto:farzad.beheshti.z@gmail.com)

2- معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی و سرپرست دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه شش مشهد و

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی قوه قضاییه

آینه باید منتظر تسلط کافرین بر مومنین بود (وسایل الشیعه: 16 / 123- نهج البلاغه: 362) لزوم توجه به این دو فریضه همواره مورد تاکید قرآن (سوره آل عمران، آیه 104- سوره آل عمران، آیه 110-سوره آل عمران، آیه 114 و 113-سوره اعراف، آیه 157- سوره توبه، آیه 67- سوره توبه، آیه 71- سوره جمعه، آیه 2- سوره عنکبوت، آیه 45- سوره بقره، آیه 195- سوره مائده، آیه 8) و روایات (محاسن برقی: 1/ 292- الکافی: 5/ 57- تهذیب الاحکام: 6/ 176) و سیره معصومین علیهم السلام بوده است و هیچ یک از علما در وجوب آن شکی ندارد (رسایل فقهی: 23). برای امر به معروف و نهی از منکر تقسیمات و مراتبی (برگرفته از روایات) ارایه شده است که در مراتب آن سه دسته (قلب و زبان و ید) بیان شده است (المقنعه: 809) و شهید مطهری در این زمینه بیان نموده اند که «برای مرتبه ید و عمل هم مراتبی ذکر کرده‌اند و غالباً متوجه این قضیه شده‌اند که گاهی احتیاج می‌افتد به اینکه اعمال زور و عنف بشود و بسا می‌شود صدمه‌ای بر طرف وارد شود و جراحی بردارد، و یا آنکه احیاناً ممکن است منجر به قتل کسی بشود. به اینجا که می‌رسد فقها به اصطلاح توقف می‌کنند و می‌گویند این دیگر وظیفه عامه مردم نیست. عامه حق ندارند از پیش خود دست به این گونه کارها بزنند. این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی و یا کسی است که از طرف حاکم شرعی اجازه و دستور این کار را داشته باشد. اگر به عامه مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می‌شود» (فقه و حقوق-مجموعه آثار:- 191/20)

و برخی دیگر از علما به صراحت از ضرورت تاسیس وزارت خانه ای به نام وزارت امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آورده اند و بیان نموده اند که «این مسأله را حقیر در نامه‌ای که بر پیش نویس قانون اساسی خدمت رهبر کبیر انقلاب نوشتم، متذکر شدم که: باید وزارتی به نام «امر به معروف و نهی از منکر» تشکیل بشود تا اینکه به وظائف خود عمل نماید این نامه، بعنوان ضمیمه کتاب «وظیفه فرد مسلمان در احیای حکومت اسلام» به طبع رسیده است. و اکنون این وزارتخانه به نام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است، ولیکن نه به آن صورتی که متکفل تمام اطراف و جوانب مسأله باشد؛ و مُنکر را من جمیع الجهات شناخته و از آن نهی کند، و معروف را من جمیع الجهات در زیر پوشش خود قرار داده و بدان امر نماید و در منطقه اسلام، باید مصطلحات اسلامی را بکار برد و انگهی لفظ فرهنگ و ارشاد اسلامی، مانند لفظ امر به معروف و نهی از منکر نیست. در اسلام، اصطلاح «امر به معروف و نهی از منکر» آمده است و ما هم باید بر همان اساس وزارتی تشکیل بدهیم که نظر اسلام تأمین شود. فرهنگ و ارشاد، دو عبارت مطلق و عام است و در هر مکتب و مذهبی استعمال می‌شود، حتی در میان یهودیها و زرتشتیها و کمونیستها؛ اَمّا امر به معروف و نهی از منکر از مصطلحات اسلام است و نباید از آن تجاوز کرد.» (ولایت فقیه در حکومت اسلام: 3 / 255) و انجام این دو فریضه علاوه بر تاثیر برونی و برجامعه تاثیر دورنی و بر فرد نیز دارد که حضرت می‌فرمایند امر به معروف کن از اهل آن می‌شوی در حقیقت بیان انسان را وادار به عمل می‌نماید و قانون‌گذار نیز در اصل هشتم قانون اساسی مقرر داشته است که «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به

خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرائط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنکر» و تا کنون قانونی در راستای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر وجود نداشته است و نظر به این که بسیاری از قوانین دارای خاستگاه اجتماعی بوده و در اثر مطالبه گری ضمنی یا صریح جامعه پا به عرصه وجود گذاشته است این قانون نیز مستثنی نبوده و به دلیل برخی وقایع رخ داده از جمله شهادت شهید خلیلی شهید امر به معروف وضع شده است و تا کنون جایگاه آن در بین قوانین خالی بوده است البته این قانون نیز کافی نمی باشد که در متن مقاله از پیشنهادات نویسندگان برای ارتقا این قانون سخن به میان خواهد آمد این قانون جنبه حمایتی در خصوص عامل این دو فریضه دارد که می توان حمایت های قانونی مندرج در این قانونی را به دو دسته حمایت های قانونی ماهوی و حمایت های قانونی شکلی تقسیم و مورد بررسی قرار داد و در ادامه نیز به انتقاداتی که به این قانون وارد است خواهیم پرداخت.

#### فصل اول: حمایت های قانونی ماهوی

در این فصل به حمایت هایی که قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به عمل آورده است و از نظر تقسیم قواعد و قانون به شکلی و ماهوی در دسته ماهوی قرار می گیرد خواهیم پرداخت که در چهار مبحث ارایه خواهد شد.

مبحث اول: عدم امکان اعمال برخی از نهاد های تخفیفی قانونی در خصوص مرتکبین جرم نسبت به آمران به معروف و ناهیان از منکر

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 در فصل دوم تا یازدهم از بخش دوم از کتاب اول برخی از نهاد های تخفیفی قانونی را در خصوص متهمین به جرایم مختلف با شرایطی وضع نموده است که از جمله آن ها تعلیق و تعویق و تخفیف و... می باشد و قانون گذار در ماده هفت قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به صراحت اظهار داشته است که افرادی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر می نمایند قابل تعلیق و تخفیف و قابل تخفیف و تعلیق نیست و صدور حکم به مجازات قابل تعویق نمی باشد و در حقیقت از دسته جرایم مندرج در ماده 47 قانون مجازات اسلامی محسوب می گردد سوالی که ممکن است در ذهن ایجاد شود این است که آیا جرایم علیه آمران به معروف قابل تعلیق تعقیب (مرحله دادسرا) می باشد یا خیر؟ ممکن است از عموم قابل تعلیق نبودن این جرم در ماده مذکور چنین برداشت شود که این جرایم قابل تعلیق نمی باشد و یا به دلیل این که سیاق ماده و این که سایر تاسیسات قانونی مذکور در ماده 7 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تماما مربوط به مرحله دادگاه می باشد و نهاد

تعقیب با این ها متفاوت است و مربوط به مرحله داسرا می باشد لذا صدور قرار تعلیق تعقیب در خصوص این جرایم خالی از وجه است و از طرفی مکن است چنین برداشت شود که تفسیر به نفع متهم اقتضا دارد که تعلیق تعقیب در خصوص این افراد ممکن باشد اما به نظر نگارندگان با توجه به ماده 81 قانون آیین دادرسی کیفری که تعلیق تعقیب در مرحله داسرا را تنها در خصوص جرایمی پذیرفته است که تعلیق مجازات آن ها امکان داشته باشد از این رو تعلیق تعقیب جرایم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر امکان ندارد به دلیل این که تعلیق مجازات آن بر طبق ماده فوق امکانپذیر نمی باشد.

سوال دیگری که به ذهن می رسد این است که آیا متهمین به جرایم علیه آمر به معروف و ناهی از منکر می توانند از سایر نظام های قانون جدید از جمله نظام نیمه آزادی و یا آزادی مشروط و غیره استفاده نمایند؟ پاسخ به این سوال واضح می باشد زیرا به نظر می رسد که حکم به عدم شمول این نظام ها نسبت به این مجرم نیازمند حکم قانونی است و با این که قانون گذار در ماده فوق در مقام بیان می باشد بیان نشده است لذا مجرم می تواند از این نظام ها استفاده نماید گرچه حمایت کامل از آمران به معروف و ناهیان از منکر که بزه دیده واقع شده اند اقتضا می کرد که مجرم از این نظام ها که انفع به حال وی می باشد برخوردار نباشد.

مبحث دوم: جنبه عمومی بخشیدن به جرایم علیه آمر به معروف و ناهی از منکر

حمایت دیگری که در این قانون از آمران به معروف و ناهیان از منکر به عمل آمده این است که به این جرایم جنبه عمومی بخشیده است و سوالی که در این بخش مطرح می شود این است که: آیا این تبصره در خصوص جرایم قابل گذشت نیز امکان اجرا دارد یا خیر؟ و به تعبیر دیگر آیا قانون گذار با این ماده خواسته است به تمامی جرایم علیه آمران به معروف و یا ناهیان از منکر جنبه عمومی اعطا نماید یا این که تنها در خصوص دو مورد مندرج در تبصره و در صورت تحقق آن ها جنبه عمومی برای جرایم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر متصور خواهد بود؟ در بدو امر ممکن است چنین به نظر برسد که قانون گذار چنین قصدی داشته است و الا آوردن این تبصره جایگاهی نداشت زیرا در غیر مورد آمر به معروف و ناهی از منکر نیز این موارد مندرج در تبصره در صورت تحقق شرایط اجرایی است زیرا در قوانین عام آمده است پس گویا این تبصره جنبه حمایتی دارد از این رو باید در تمامی جرایم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر چنین باشد اما این استدلال صحیح به نظر نمی رسد به دلیل این که در این ماده قانون گذار نخواسته است جنبه عمومی بر این جرایم بار کند بلکه چنین آمده است که جنبه عمومی جرم حسب مورد چنین رسیدگی می شود یعنی اگر جنبه عمومی داشته باشد این چنین رسیدگی می شود نه این که این موارد جنبه عمومی دارد لذا در موارد ضرب عادی که مشمول هیچ یک از دو ماده مندرج در تبصره نگردد قطعاً جنبه عمومی وجود نخواهد داشت البته این انتقاد به قانون گذار وارد می باشد که آوردن این تبصره با توجه به

قوانین عام موجود که در مورد تمامی متهمین و از جمله متهمین به جرایم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر قابلیت اجرا دارد خالی از جایگاه می باشد.

مبحث سوم: تعیین مجازات برای اشخاص حقیقی و حقوقی که ایجاد مانع می کنند

قانون گذار در ماده 9 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به موضوع فوق پرداخته است و در این ماده قانون گذار در حمایت از این دو فریضه بیان نموده است که در صورت ایجاد مانعی که جرم باشد علاوه بر مجازات مندرج در جرم مزبور فرد به حبس و یا جزای نقدی درجه 7 نیز محکوم می گردد نکته ای که نباید به دور از ذهن باشد این است که به نظر می رسد در صورتی که فردی مانعی ایجاد نماید که جرم باشد علاوه بر آن که به مجازات آن جرم محکوم می گردد به جزای نقدی درجه هفت نیز محکوم می گردد و نباید با این ماده بر اساس ماده 134 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 برخورد نمود و تنها از بین این دو مجازات، مجازات اشد را اجرا نمود بلکه باید جمع مجازات ها نمود زیرا اولاً: قانون حمایتی است و باید به این شکل تفسیر گردد ثانیاً: لازم می آید که تنها در مواردی که مانع ایجاد شده از مصادیق درجه هشت باشد این ماده اجرایی شود و مجازات اشد که درجه هفت باشد اجرا گردد که در خصوص این دسته از مجازات ها نیز قاعده جمع حاکم است و از اشد پیروی نمی نماید و باعث لغو کلی تبصره می گردد ثالثاً: نحوه بیان قانون گذار حاکی از جمع می باشد زیرا بیان شده است (علاوه بر مجازات مقرر) رابعاً: قانون گذار نخواسته است عنوان مجرمانه جدیدی به این فعل بدهد تا دو جرم و بالتبع دو مجازات باشد بلکه یک کیفیتی را اضافه نموده است (مانعی که خود جرم است جلوی فعالیت آمر به معروف و ناهی از منکر را گرفته است) و سوالی که ممکن است مطرح گردد این است اگر مانعی که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر ایجاد شود خودش جرم دارای مجازات درجه هفت باشد حال که مجازات درجه هفت نیز بر اساس ماده فوق شامل آن می شود باید جمع این ها را برای تعیین صلاحیت بین دادسرا و دادگاه در نظر گرفت یا خیر؟ به نظر می رسد که جواب مثبت باشد و در صورتی که مجازات ها یکسان باشند مثل این که هر دو جزای نقدی باشند یا هر دو حبس باشند در این زمینه باید هر دو حد اکثر جمع و مشخص گردد که چه درجه ای می شود و در صورت اختلاف مجازات ها حسب رویه معمول و اتخاذ ملاک از رای وحدت رویه ملاک حسب درجه هفت خواهد بود.

مبحث چهارم: تعیین مجازات مستنکفین از صدور مجوز برای سازمان های مردم نهاد و صدور مجوز راهپیمایی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر موضوع درخواست اشخاص حقیقی یا حقوقی

قانون گذار در تبصره 3 ماده 16 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مقرر داشته است که هرگاه مسولان از صدور مجوز برای سازمان های مردم نهاد و یا صدور مجوز راهپیمایی مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر موضوع

تقاضای اشخاص حقیقی یا حقوقی استنکاف نمایند به مجازات مندرج در ماده 570 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 محکوم می شوند و تفاوتی نیز بین مسولان ستاد امر به معروف و نهی از منکر و سایر مسولان از قبیل بخشداران و فرمانداران و استانداران وجود ندارد زیرا در این ماده عبارت مسولان ذی ربط به کار برده شده است و مسولان ستاد نیز اط مسولان ذی ربط در موضوع محسوب می گردند.

#### فصل دوم: حمایت های قانونی شکلی

در این فصل به حمایت های قانونی شکلی که در این قانون برای آمر به معروف و ناهی از منکر وضع شده است اشاره خواهیم کرد و در چهار محور اصلی بحث را پی می گیریم.

مبحث اول: اختصاص شعب ویژه برای رسیدگی به جرایم علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر:

قانون گذار در ماده 11 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر تکلیفی را برای قوه قضاییه ایجاد نموده است که عبارت است از تعیین شعب اختصاصی برای رسیدگی به این جرایم و باید توجه داشت که رسیدگی اختصاصی است نه تخصصی و ارجاع این قبیل پرونده ها مانع از ارجاع سایر پرونده ها به شعب اختصاصی نمی باشد و جهت تامین حمایت کامل و مورد نظر قانون گذار باید روحیات و تخصص و تحصیلات و آشنایی با فرهنگ عمومی و جامعه شناسی و... قاضی شعبه را در تعیین شعب اختصاصی مورد توجه قرار داد. و در این زمینه نباید مفاد ماده 9 دستورالعمل اجرایی را از نگاه دور داشت.

مبحث دوم: معرفی آمران به معروف و ناهیان از منکر که مجنی علیه واقع شده اند به عنوان شهید و یا جانباز حسب مورد

نظر به این که در روایات از فردی که عامل به این دو فریضه باشد و در این راه جان بدهد به عنوان شهید یاد شده است لذا قانون گذار نیز مقرر نموده است که در مواردی با پیشنهاد هیات مذکور در تبصره ماده 15 و احراز دادگاه صلاحیتدار ممکن است فرد شهید و یا جانباز تلقی گردد (بدیهی است در صورتی که فرد شهید یا جانباز تلقی گردد می تواند در شکل رسیدگی متفاوت باشد از جمله این که نماینده حقوقی بنیاد شهید می تواند در جلسات دادگاه شرکت نماید لذا نگارندگان این حکم را در قسمت حمایت های کلی آورده اند) البته در تفسیر و تبیین این ماده نباید ماده 11 دستورالعمل اجرایی را از نظر دو نگاه داشت.

مبحث سوم: استفاده از حمایت های قضایی بسیج و دخالت کارشناسان حقوقی به عنوان وکیل

قانون گذار در تبصره ماده 11 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بیان نموده است که آمران و ناهیان مشمول حمایت های قضایی موضوع ماده 4 قانون حمایت قضایی از بسیج می گردند که این حمایت به صراحت ماده 4 قانون حمایت قضایی بسیج عبارت است از شرکت کارشناسان حقوقی این دفاتر بدون پروانه وکالت و عمل به وکالت از طرف مورد حمایت. سوالی که در خصوص این ماده به ذهن می رسد این است که آیا مراد این ماده آن است که این آمران از حمایت قضایی و استفاده از امکانات ماده 4 قانون حمایت قضایی بسیج برخوردارند یا این که این ستاد نیز می تواند چنین ساز و کاری را تشکیل و کارشناسان خود را بفرستد تا به وکالت عمل کنند؟ در پاسخ باید گفت ظاهراً چون ماده گفته است مشمول حمایت قضایی مندرج در تبصره ماده 11 می شوند لذا از این حمایت می توانند استفاده کنند نه این که عیناً مشمول این ماده گردند و الا باید قانون گذار حمایت قضایی را حذف می کرد و بیان می نمود که می توانند مانند ماده 4 قانون حمایت قضایی از بسیج استفاده نمایند که همین برداشت مورد تایید برخی از اهل نظر است

(aajiw.persianblog/post/165)

ضمناً به نظر می رسد که با وجود تبصره ماده 11 حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیازی به ماده 16 دستورالعمل اجرایی قانون فوق نباشد مگر این که رابطه بین این دو ماده را عموم و خصوص من وجه دانست

مبحث سوم: جبران خسارت فوری و بدون قید و شرط آمران به معروف و ناهیان از منکر

ماده 13 قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به حکم فوق پرداخته است و در بررسی باید گفت حکم مقرر در این ماده علاوه بر این که درست و اقدام حمایتی صحیح محسوب می گردد تبصره آن در قسمت دوم ( در صورت تمکن مالی جانی ستاد می تواند در صورت اذن ولی یا مجنی علیه اقدام نماید) قابل انتقاد است زیرا اولاً: باعث تجری جانی غیر متمکن می شود و می گوید من که هنوز غیر متمکن هستم لذا هر گونه جنابینی انجام خواهم داد و فرد نمی تواند از من بگیرد لذا بهتر این بود که چنین بیان شود که ستاد به مجنی علیه در راستای حمایت تمامی خسارات وارده را می دهد اما خود او جانشین مجنی علیه می شود و حتی از غیر متمکن نیز می گیرد ولو این که طبق قانون محکومیت های مالی منتهی به حبس وی شود.

ثانیاً: در این ماده با دو شرط می توان به جانی که شناسایی شده و متمکن است یا غیر متمکن و جانی غیر متمکن رجوع نمود یک: ستاد بخواهد و این امر اختیاری دانسته شده است دو: مجنی علیه اجازه دهد که این دو شرط اشتباه است و در واقع حمایت از مجنی علیه به عمل نیامده است زیرا وقتی جانی شناسایی شده و متمکن است باید مثل تصادفات متورای عمل شود و ستاد قایم مقام این فرد گردد و تمام خسارات را از متهم اخذ نماید و نیازی به اذن مجنی علیه نباشد و خود به

خود باید قایم مقام مجنی علیه شود و ستاد نیز باید اجبارا این کار را انجام دهد تا جلوی هر گونه توافق و یا تخطی چه توسط مجنی علیه و چه توسط ستاد گرفته شود. البته قسمت دوم اشکال به وسیله ماده 11 دستور العمل اجرایی رفع شده است و مقرر شده است که ستاد قبل از پرداخت باید اذن و اختیارات قانونی را از مجنی علیه یا ولی وی اخذ نماید. و در حقیقت قسمتی از نقص قانون را مرتفع نموده است اما سوال این است که اگر فرد همکاری نکرد و اختیاری به ستاد در این زمینه نداد چه باید کرد و آیا باید حسب قانون عمل کرد و یا حسب دستورالعمل قانون مزبور؟ و آیا می توان به این حکم خلاف قانون دستورالعمل عمل نمود یا این که باید بر اساس اصل 170 قانون اساسی عمل نمود و در این قسمت دستورالعمل را خلاف قانون تلقی نمود و از اجرای آن امتناع نمود؟ به نظر نگارندگان با توجه به صراحت قانون و عدم تقید به هیچ شرطی باید گفت نظر دوم صایب می باشد.

مبحث چهارم: دخالت سازمان های مردم نهاد

در ماده 14 قانون مزبور مقرر شده است که سازمانهای مردم نهادی که اساسنامه آن ها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر می باشد می توانند بر اساس ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 عمل نمایند و باید ماده فوق و 102 از قانون فوق و اصل 165 قانون اساسی در این زمینه مورد توجه باشد و در تبصره 1 ماده 16 قانون گذار وزارت کشور را پس از کسب نظر مشورتی ستاد مکلف به صدور مجوز برای سازمان های مردم نهاد نموده است و باید توجه داشت که به حکم صریح این تبصره نظریه ستاد در این زمینه مشورتی است و می توان برخلاف آن عمل نمود و به نظر می رسد اصل نیز بر همین می باشد و نباید وزارت کشور امری فراتر از شرایط تاسیس سایر سامان های مردم نهاد برای این سازمان ها مقرر نماید.

فصل سوم: قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در بوته نقد

این قانون علی رغم این که دارای مزایای فراوان می باشد می توانست به شکل بهتری مورد تصویب قرار گیرد یا این که مواردی در آن گنجانده شود تا به احیای این فریضه الهی کمک شود در این فصل به برخی از انتقادات و پیشنهاداتی که در این زمینه مطرح می باشد خواهیم پرداخت:

مبحث اول: وضع ماده ای جهت جلوگیری از هر گونه تعرض به آمران به معروف و ناهیان از منکر چه تعرض جرم باشد و چه نباشد

این قانون همانگونه که قبلا بیان شد تنها در برخی از موارد حمایتی می باشد مثل عدم اعمال تخفیف و تعلیق در خصوص جرایم انجام شده علیه آمران به معروف و ناهیان از منکر اما به نظر می رسد که این اقدام کافی نمی باشد و نظر به این که



این دو فریضه به فراموشی سپرده شده است و در بسیاری از موارد بدون این که هیچ گونه جرمی علیه آمر و ناهی صورت گیرد تعرض صورت می گیرد و گاهی محترمانه و بدون این که هیچ گونه جرم یا جنایتی علیه فرد انجام شود فرضا می گویند که ارتباطی به تو ندارد اگر مبنا بر این شد که امر به معروف در جامعه گسترش یابد باید مثل ماده 619 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 (مزاحمت اطفال و بانوان در معابر عمومی) ماده ای نیز در این خصوص وضع شود و هر گونه تعرض به آمر به معروف چه از ناحیه مامور و منهی و چه از ناحیه سایر افراد جرم انگاری شود از این طریق زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر بهتر فراهم می گردد

مبحث دوم: مشخص نمودن محدوده حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

در شرع شرایطی برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است (جامع الشتات فی أجوبه السؤالات: 1/ 419) در این قانون تعریفی از این که چه فردی می تواند آمر به معروف و ناهی از منکر محسوب گردد مشاهده نمی شود از این رو سوالات متعددی در ذهن قضات هنگام اجرای این قانون بوجود می آید از جمله این که آیا اگر فردی بدون رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر اقدام به این امر نماید و اتفاقا در اثر آن مجنی علیه واقع شود از حمایت های قانونی این قانون برخوردار می باشد یا خیر و آیا امر به معروف و نهی از منکر با تذکر محقق می گردد تا در پی آن از حمایت های قانونی برخوردار شود و این که راه تشخیص دعاوی شخصی با این که فرد در مقام امر به معروف بوده است چه می باشد و یا این که در صورتی که فردی بدون رعایت مراتب امر به معروف و یا نهی از منکر امر به معروف نماید آیا از حمایت های قانونی برخوردار می باشد یا خیر؟ و یا این که اگر فرد بدون رعایت سایر شرایط از جمله تاثیر یا عدم تاثیر اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نماید از حمایت های قانونی برخوردار می باشد یا خیر؟ و این که آیا فرد در صورتی که امر به معروف نماید و بعد مشخص گردد در معروف و منکر اشتباه نموده است و در حقیقت جهل حکمی یا موضوعی داشته باشد (جهل ساده یا مرکب) آیا از این حمایت های برخوردار می باشد یا خیر و ده ها سوال دیگر که همه در راستای تشخیص آمر به معروف و ناهی از منکر می باشد. گرچه در مواد اولیه این قانون مواردی مقرر شده است که می تواند پاسخگویی ناقص به سوالات فوق را داشته باشد از جمله ماده 6 این قانون که به صورت کلی مقرر داشته است که کسی حق ندارد به بهانه اجرای قانون دست به اعمال مجرمانه بزند و در حقیقت این ماده بیانگر این می باشد که اجرای امر به معروف و نهی از منکر از موانع مسولیت کیفری فرد نمی باشد و لی ای کاش دقیقا موضوع اجرای قانون حمایت از آمر به معروف و ناهی از منکر مشخص می شد.

مبحث سوم: عدم ارایه راهکار در خصوص ایجاد مانع توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی که خود جرم نباشد

حسب ماده 9 قانون مزبور هیچ فرد حقیقی و یا حقوقی حق ایجاد مانع برای امر به معروف و نهی از منکر ندارند و همانگونه که پرواضح است گاهی موانع ایجاد شده خود جرم می باشند که در این صورت بر اساس حکم قانون علاوه بر محکومیت به مجازات جرم مزبور به مجازات درجه هفت محکوم می گردند اما در صورتی که فردی با ایجاد مانعی که قانونا جرم نباشد جلوی اجرای امر به معروف و نهی از منکر را بگیرد در این صورت قانون گذار برای آن مجازاتی پیش بینی ننموده است و این نقض قانون می باشد. و در حقیقت باز هم قانون به جنبه حمایتی خود عمل ننموده است

مبحث چهارم: عدم امکان مجازات ایجاد مانعی که جرم باشد و موجد مانع شخص حقوقی حقوق عمومی باشد

حسب ظاهر ماده فوق این مجازات شامل اشخاص حقوقی حقوق عمومی نمی شود زیرا حسب ماده 20 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 نمی توان مجازات بند پ را بر آن اعمال نمود فرضا اگر شهرداری مانعی در این زمینه ایجاد کند چه مجازاتی برای او می توان در نظر گرفت؟ در این زمینه مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده است اما می توان بر اساس ماده 6 دستورالعمل اجرایی صادره عمل نمود.

نتیجه گیری

از مباحثی که تا کنون مطرح شد می توان چنین نتیجه گرفت که در قانون گذاری ایران جای خالی قانونی در راستای احیای فریضتین به وضوح مشهود بود که با وضع قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و تاسیسات قانونی آن تا حد زیادی این امکان برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر و سریان آن در جامعه به وجود آمده است و علی رغم این که این قانون مشتمل بر حمایت های قانونی و مشتمل بر ساز و کارهای تشکیلاتی و هماهنگ می باشد و در این زمینه گام بلند و رو به جلو محسوب می گردد دارای نقایصی نیز می باشد که می توان با اجرایی شدن قانون به طور جدی و نمایان شدن برخی دیگر از مشکلات در اجرا پیشنهاد اصلاح آن را از طرق قانونی مطرح نمود که پژوهش حاضر که اولین مجموعه با این رویکرد می باشد می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد.

پیشنهادات

این قانون گام بلند و روبه جلو در زمینه حمایت از فریضه امر به معروف و نهی از منکر محسوب می گردد اما در مقام اجرا با مشکلات و مسایلی رو برو می باشد که باید پس از اجرای یک دوره دو الی سه ساله آن و نمایان شدن دیگر انتقاداتی که به آن وارد است و مشکلات عملی موجود جهت اجرای قانون، مورد اصلاح قانون گذار قرار گیرد تا بیش از پیش آمران به معروف و ناهیان از منکر مورد حمایت قرار گیرند.

1. قرآن کریم
2. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، (1371 ه.ق) محاسن برقی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
3. تارنمای [aqiow.persianblog/post/165/](http://aqiow.persianblog/post/165/)
4. جعفری تبریزی، محمد تقی، (1419 ه.ق) رسائل فقهی، تهران، مؤسسه منشورات کرامت.
5. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، (1421 ه.ق) ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی.
6. دستورالعمل اجرایی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب 1394 ه.ش.
7. سید رضی، (1414 ه.ق) نهج البلاغه، قم، موسسه نهج البلاغه.
8. طوسی، ابو جعفر، (1407 ه.ق) تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
9. عاملی، محمد حسن حر، (1409 ه.ق) وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البيت لاحیا التراث.
10. قانون اساسی مصوب 1358 ه.ش.
11. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 ه.ش.
12. قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب 1391 ه.ش.
13. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب 1394 ه.ش.
14. قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب 1371 ه.ش.
15. قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 ه.ش.
16. قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب 1375 ه.ش.
17. کلینی، محمد بن یعقوب، (1407 ه.ق) الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
18. گیلانی، ابو القاسم بن محمد حسن، (1413 ه.ق) جامع الشتات فی أجوبة السؤالات (للمیرزا القمی)، تهران، مؤسسه کیهان.
19. مطهری، شهید مرتضی، (بی تا) فقه و حقوق - مجموعه آثار -، قم، انتشارات شهید مطهری.
20. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (1413 ه.ق)، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.